

واکاوی و نقد نتایج دیدگاه شیخ احمد احسائی در علت فاعلی دانستن ائمه

محمدعلی افزلی*

چکیده

شیخ احمد احسائی به عنوان رهبر شیخیه، ادعای علت فاعلی بودن ائمه در نظام آفرینش را به گونه استقلالی بیان کرده و نقش‌های فاعلی مهمی را به عنوان نتایج علت فاعلی دانستن آنان ترسیم کرده است که از جمله این نقش‌ها آفریدن موجودات، روزی دادن، زنده کردن، میراندن آنها و حسابرسی بندگان در قیامت است. همچنین احسائی اطاعت و عبادت را از طریق معصومین و برای ایشان ممکن دانسته و آنان را مصداق عبادات برشمرده است؛ که تحلیل و راستی‌آزمایی این ادعاهای رهبر شیخیه، مسئله این پژوهش بوده است. در این تحقیق به روش تحلیلی انتقادی به واکاوی و نقد دیدگاه احسائی پرداخته شد و آشکار گردید که ادعای احسائی سند معتبری ندارد و برداشت‌های او از آیات و روایات، ذوقی و استحسانی بوده و از طرفی مخالف باورهای بزرگان امامیه است.

واژگان کلیدی

شیخیه، احسائی، امامت، فاعلیت امام، علت فاعلی.

*. دانشجوی دکتری رشته مدرسی معارف اسلامی، گرایش قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

طرح مسئله

جریان شیخیه به رهبری شیخ احمد احسائی (۱۲۴۱ - ۱۱۶۶ ق) و برخی از شاگردانش حدود دو قرن قبل در بستر امامیه شکل گرفت و پیروان این فرقه که از شیعیان دوازده امامی به حساب می‌آیند، «شیخیه» یعنی منسوبین به شیخ احمد احسائی نام گرفتند. (مشکور، ۱۳۸۷: ۲۶۸) احسائی دیدگاه‌های خاصی در برخی از مباحث اعتقادی و فقهی مطرح کرد که با عکس‌العمل بزرگان امامیه مواجه شد. او در موضوع امامت، بحث علل اربعه بودن ائمه علیهم‌السلام را در هستی بیان کرد و قائل به علت فاعلی دانستن آنان در هستی شد که از نتایج چنین باوری انتساب امور عالم مانند آفریدن و روزی دادن به امامان علیهم‌السلام است.

این ادعای رهبر شیخیه تاکنون به گونه روشمند و با مراجعه به آثار موجود احسائی تبیین و ارزیابی نشده است. نزدیکترین پژوهش‌ها به موضوع این نوشتار، مقاله‌ای است با عنوان «دیدگاه‌های غالیانه شیخیه در خصوص مقامات ائمه اطهار علیهم‌السلام با محوریت اندیشه‌های شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی» نوشته مسلم محمدی و محمد محمدی که در شماره ۶۰ (بهار ۱۳۹۷) فصلنامه علمی پژوهشی *انتظار موعود* چاپ شده است. آن دو به صورت کلی به تبیین دیدگاه شیخ احمد احسائی و شاگردش سید کاظم رشتی در مورد مقامات ائمه علیهم‌السلام پرداخته‌اند که موضوع نتایج علت فاعلی دانستن امامان معصوم در نظام آفرینش مورد تبیین و ارزیابی قرار نگرفته است. مقاله دیگر در شماره ۵۳ (تابستان ۱۳۹۷) فصلنامه علمی پژوهشی *اندیشه نوین دینی* با عنوان «بررسی دیدگاه شیخیه کرمان در باب علیت ائمه برای عالم خلقت» نوشته حسین رهنمایی چاپ شده است. در این مقاله نیز که مربوط به شیخیه کرمان و دیدگاه رهبران آن است، فقط بخشی به موضوع علت فاعلی دانستن ائمه علیهم‌السلام اختصاص پیدا کرده و به نتایج و لوازم علت فاعلی دانستن امامان علیهم‌السلام پرداخته است.

راقم سطور نیز دو مقاله دیگر را در موضوع علل اربعه و علت فاعلی به رشته تحریر درآورده که یک مقاله با عنوان «بررسی و نقد دلائل سیدکاظم رشتی و محمدکریم‌خان کرمانی در علت فاعلی دانستن ائمه علیهم‌السلام» (افضلی، ۱۳۹۸: ۱۵۲ - ۱۳۵) است که در شماره ۶۵ مجله *انتظار موعود* چاپ و منتشر شد. همان‌طور که از عنوان مقاله پیداست، دیدگاه دو رهبر شیخیه یعنی رشتی و کرمانی در مسئله علت فاعلی دانستن ائمه علیهم‌السلام مورد بررسی و نقد قرار گرفت. در مقاله دوم در فصلنامه اندیشه نوین دینی شماره ۷۰ با عنوان «بررسی و نقد دیدگاه شیخ احمد احسائی در علت فاعلی دانستن ائمه علیهم‌السلام در نظام آفرینش» تنها اصل دیدگاه شیخ احمد در موضوع علت فاعلی دانستن امامان علیهم‌السلام تبیین و نقد شده و نتایج علت فاعلی دانستن امامان بیان نشده و ادله احسائی در اثبات نتایج علت فاعلی دانستن امامان تبیین نگردیده و بررسی و نقد مستندات شیخ احسائی در اثبات این نتایج مورد توجه قرار نگرفته است که همین موضوع،

محور کار پژوهشی نوشتار حاضر است و پرداختن به نتایج علت فاعلی دانستن ائمه علیهم السلام و بررسی و نقد ادله احسائی در این زمینه، کاری نو و پژوهشی جدید بوده و در بین مقالات نظیری برای آن یافت نشد. بنابراین در این مقاله بعد از تبیین نظریه علت فاعلی دانستن ائمه علیهم السلام و فاعلیت تامه آنان در دیدگاه شیخ احمد احسائی، با رویکردی تحلیلی و انتقادی به تبیین نتایج نظریه احسائی در موضوع علت فاعلی خواندن امامان علیهم السلام پرداخته خواهد شد و نتایج آن در سه حوزه نقش امامان در امور چهارگانه (آفرینش، روزی دادن، زندگی بخشیدن و میراندن) و مهم هستی، «اطاعت و عبادت امامان و نقش فاعلی ائمه در جهان آخرت» بررسی و تحلیل می‌شود و ادله احسائی برای چنین ادعایی، واکاوی و ارزیابی خواهد شد و به‌طور کل دیدگاه رهبر شیخیه در انتساب همه امور مهم هستی به ائمه علیهم السلام به‌عنوان علت فاعلی انحصاری، مورد بررسی و نقد قرار خواهد گرفت.

دیدگاه احسائی در تبیین نقش فاعلی ائمه علیهم السلام در نظام آفرینش

موضوع علل اربعه از جمله علت فاعلی دانستن ائمه علیهم السلام در نظام آفرینش از باورهای مهم شیخ احمد احسائی به حساب می‌آید که انتقادهای فراوانی را به وجود آورده است که راقم سطور در مقاله‌ای دیگر به تحلیل و نقد تفصیلی آن پرداخته است؛ اما به‌طور خلاصه احسائی معتقد است که خداوند معصومین علیهم السلام را علت ایجاد و آفرینش همه موجودات و هر فعلی در هستی قرار داده است. او در بسیاری از عباراتش همه امور را منحصر در ائمه علیهم السلام دانسته و به صراحت چهار امر مهم عالم را فقط از مسیر ایشان جاری می‌داند. او می‌نویسد:

أَنْ لَا يَكُونَ لَهُ سِبْحَانَهُ طَرِيقٌ وَلَا بَابٌ تَفِيضُ مِنْهُ عَطَايَاهُ وَ اِمْدَادَاتِهِ غَيْرِهِمْ، فَهَمَّ صِرَاطُهُ فِي عِلْمِهِ بِخَلْقِهِ وَ قُدْرَتِهِ عَلَيْهِمْ ... وَ جَمِيعٌ مَا بِهِمْ مِنْهُ مِنْ خَلْقِهِ وَ رِزْقِهِ وَ مَوْتِهِ وَ حَيَاتِهِ. (احسائی، بی‌تا: ۱ / ۲۸۷)

هیچ راهی برای خداوند و رسیدن فیض، عنایات و هدایای او به مخلوقات جز راه ائمه علیهم السلام نیست و اهل بیت علیهم السلام راه رسیدن خدا به علم نسبت به مخلوقاتش هستند و آنها راه تحقق پیدا کردن قدرت خداوند بر بندگانند ... و آنها در همه امور مربوط به مخلوقات از آفریدن و روزی دادن و مرگ و زندگی، مسیر انجام همه امور در عالم هستند.

احسائی بر این باور است که مخلوقات جز به واسطه نور ائمه علیهم السلام آفریده نمی‌شوند. (همان: ۲۷۵) و از لوازم تنها راه واسطه فیض الهی بودن ائمه علیهم السلام، این است که موجودات فقط به دست آنها آفریده شوند. (همان: ۲ / ۵۳) او چنان شمول و عمومیتی برای علت فاعلی دانستن ائمه علیهم السلام قائل است که این باور

خود را در همه جهات هستی امتداد داده و ائمه علیهم السلام را دارای نقشی علی و فاعلی انحصاری در همه امور عالم دانسته است. (همو، بی تا الف: ۱ / ۲۸۷) زیرا همان طور که شاگردان او، این موضوع را تشریح کرده‌اند از دیدگاه بزرگان شیخیه خداوند نمی‌تواند علت فاعلی در آفرینش باشد و الا دچار نقص در ذات خواهد شد؛ از این رو سید کاظم رشتی در این باره می‌گوید: «اما العلة فلا یصح إطلاقها علی الله ای علی الذات البحت بوجه من الوجوه». (رشتی، بی تا: ۳۸۳) یعنی اطلاق علت بودن بر ذات خداوند به هیچ وجه صحیح نیست. وی پس از تبیین دیدگاه احسائی، چنین می‌نویسد: «فکل واحد منهم علة تامة مستقلة في الوجود...» (همان: ۲۲۲) یعنی هر کدام از ائمه علیهم السلام علت تامة برای ایجاد عالم است و در وجود، مستقل از دیگری هستند... لازمه این دیدگاه احسائی و شاگردانش، استقلال در علت فاعلی بودن و فاعلیت تامة داشتن ائمه علیهم السلام است همان گونه که میرزا محمدباقر اسکوئی از بزرگان شیخیه، از تأیید این برداشت و نتیجه، شانی خالی نکرده و براساس دیدگاه مشایخ خود علت فاعلی بودن ائمه علیهم السلام را استقلالی می‌خواند و می‌گوید:

فلمنصف إذا نظر الى الأخبار بعین الدقة و الإعتبار و جانب التعصّب والأغیار، عرف بلاغبار
أنها لا تنافی ما ذكرنا من التفویض الحق؛ بل كلّها ظاهرة في التفویض المتعارف عند العرف و
هو الاستقلال و منصرفه اليه لأئمة الفرد الشایع. (اسکوئی، ۱۳۸۵: ۳۹۶ - ۳۹۵)
انسان با انصاف وقتی به روایات بادقت و به دور از تعصّب نگاه می‌کند به راحتی می‌فهمد
که علت فاعلی دانستن ائمه علیهم السلام با معنای صحیح تفویض منافات ندارد؛ بلکه همه آن
جمله‌ها و اخبار، در تفویض متعارف نزد مردم ظهور دارد و آن تفویض متعارف نزد عرف
مردم همان تفویض و واگذاری استقلالی است؛ زیرا فرد شایع از تفویض نیز، همین
استقلالی بودن است.

بنابراین این سخن اسکوئی مؤید برداشت استقلالی است از کلام شیخ احمد احسائی است که تبیین
تفصیلی و چرایی این اعتقاد شیخ و دیگر بزرگان شیخیه خارج از موضوع این مقاله است و ما آن را در
نوشته‌های دیگر از جمله مقاله «بررسی و نقد دیدگاه شیخ احمد احسائی در علت فاعلی دانستن ائمه علیهم السلام
در نظام آفرینش» مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌ایم.

۱. تبیین نتایج نظریه فاعلیت تامة ائمه علیهم السلام در امور مهم هستی (خلق، رزق، إحياء و إمامته)

شیخ احمد احسائی پس از تبیین علت فاعلی بودن تامة ائمه علیهم السلام در هستی، انجام مهم‌ترین کارهای عالم
امکان توسط آنان را از نتایج این دیدگاه خود دانسته است. از دیدگاه او مهم‌ترین امور هستی، چهار امر و

رکن اصلی یعنی خلق (آفرینش)، رزق (روزی دادن)، إحياء (زندگی بخشیدن) و إمامته (میراندن) است. احسائی درباره امور چهارگانه موجودات عالم در آثار خود از جمله کتاب شرح عمرشیه مطالب زیادی را بیان کرده است. او بر این باور است همه امور عالم در این چهار چیز یا ارکان اربعه خلاصه می‌شود؛ اموری مربوط به خلقت و آفرینش موجودات، اموری مربوط به رزق و هرآنچه شخص از آن بهره می‌برد که با دو رکن دیگر یعنی زندگی و مرگ، چهار امر اساسی عالم را تشکیل می‌دهند. (احسائی، بی تا ب: ۲ / ۲۵۱) از این رو شیخ احمد احسائی، هرآنچه را بنده به آن محتاج است و در دنیا برای او در نظر گرفته شده در این امور و ارکان چهارگانه (خلق، رزق، حیات و ممات) جمع می‌داند و معصومین علیهم السلام را علت فاعلی و انجام‌دهنده این امور چهارگانه و مهم در عالم می‌خواند.

تحلیل حیثه تصرف ائمه علیهم السلام در امور چهارگانه هستی

احسائی در برخی عبارات خود این مطلب که ائمه علیهم السلام مسیر روزی رسیدن به مخلوقات یا وسیله خلق شدن، به دنیا آمدن و از دنیا رفتن هستند را با عبارتهای مختلفی بیان کرده است. او در جایی چنین می‌گوید:

هم علیهم السلام صراط الله ای طریق الله الی خلقه فی الخلق و الرزق و الحیوة و الممات و هم طریق الخلق الی الله فی جمیع مطالبهم فی ذرات الأمور الأربعة المذكورة الّتی هی ارکان ما فی الأمکان. (همو، بی تا الف: ۱ / ۲۸۶)

ائمه علیهم السلام واسطه و وسیله ارتباط بین خدا و خلقتش هستند و این واسطه‌گری در امور چهارگانه خلق شدن، روزی پیدا کردن و زندگی و مُردن است که این امور چهارگانه همان ارکان عالم امکانند؛ پس این ذوات مقدّس، راه و پل ارتباطی بین خدا و همه مخلوقاتند.

از این عبارت احسائی که قابل جمع با مبانی او نیست، فهمیده می‌شود که ائمه علیهم السلام واسطه فیض بین خدا و مردم هستند و در این جمله او، ارتباط مردم با خدای خودشان را فقط از طریق ائمه علیهم السلام محقق نمی‌داند و ارتباط مستقیم با خداوند نیز ممکن دانسته شده است.

رهبر شیخیه براساس مبانی خود، در بسیاری از عباراتش همه راه‌ها را منحصر در ائمه علیهم السلام دانسته و ارکان اربعه عالم را فقط از مسیر آنان جاری می‌داند. برای نمونه به حصر موجود در مفاد این کلام او دقت کنید:

انْ لا یكون له سبحانه طریق و لا باب تفیض منه عطایاه و امداداته غیرهم فهم صراطه فی علمه بخلق و قدرته علیهم ... و جمیع ما بهم منه من خلق و رزق و موت و حیوة و هذا فی الحقیقة معنی کونهم تراجمه لائهم یتترجمون الوحي بما تفهم الخلائق. (همان: ۱ / ۲۸۷)

یعنی هیچ راهی برای رساندن فیض و بخشش‌ها و نعمت‌های خداوند به موجودات هستی نیست، جز راه ائمه علیهم‌السلام. احسائی راه علم پیدا کردن، قدرت یافتن و شنیدن کلام مخلوقات و حتی دیدن آنها را جز به وسیله ائمه علیهم‌السلام ممکن نمی‌داند و این دیدگاه را برداشت‌شده از کلام امام هادی علیه‌السلام در زیارت جامعه در فراز «هم تراجمه لوجی الله» می‌داند و در شرح آن فراز، چنین سخنی را بیان می‌کند، درحالی‌که این فراز گویای معنای دیگری است و آنچه در این کلام اهمیت دارد، حصر علم و قدرت خدا، شنیدن کلام بندگان و دیدن آنها در ائمه علیهم‌السلام، از طریق این ذوات مقدّس است.

شیخ احمد احسائی در کتاب *شرح الزیارة الجامعة الکبيرة* خود می‌گوید: هرچه از خلق و رزق و حیات و ممات به کسی می‌رسد، فقط و فقط از راه ائمه علیهم‌السلام است. (همان: ۴ / ۲۷۹) او معتقد است امور اربعه عالم منحصراً از طریق ائمه علیهم‌السلام محقق می‌شود. احسائی در کتاب *شرح العرشية* خود نیز این مطلب را بارها بیان کرده است. (همو، بی تا ب: ۳ / ۵۷)

سخنان شیخ و نوشته‌های او گاهی عمومیت بیشتری پیدا کرده و امور مخلوقات را در همه عوالم و عرصه‌ها به ائمه علیهم‌السلام و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم واگذار شده می‌داند. برای نمونه او در این باره می‌گوید:

انه تعالی ائما اقام محمداً (صلی الله علیه و آله) في سائر عالمه في الاداء مقامه اي في اداء جميع ما اراد ايصاله الى خلقه من خلق و رزق و حيوة و ممات مما يتعلّق بعقولهم و نفوسهم و اجسامهم في الدنيا والاخرة. (همو، بی تا الف: ۴ / ۱۹۹)

این کلام شیخ گویای این است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان مصداق بارز علت فاعلی در عالم، نه تنها در دنیا و آخرت بلکه در همه عوالم، هرآنچه را خدا بخواهد به خلقش برساند راهبری می‌کند. از این رو آفرینش موجودات، روزی دادن، زندگی و مرگشان همگی در دست آن وجود مقدّس است و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام تنها علت فاعلی ایجاد و اداره هستی‌اند. (همو، بی تا الف: ۱ / ۲۸۷) این ادعای بزرگی است که نیازمند پشتوانه‌ای قوی و دلایلی محکم است و الا کلامی بدون دلیل بوده و پذیرفتنی نیست.

ادله شیخ احمد احسائی در فاعلیت تامه ائمه علیهم‌السلام در ارکان اربعه و نقد آنها

شیخ احمد احسائی، بعد از تبیین دیدگاه خود در نتایج علت فاعلی بودن ائمه علیهم‌السلام و محدوده تصرّفات ایشان در امور چهارگانه مهم در هستی، مستندات و مؤیدهای باور خود را به این موضوع بیان کرده است که در ذیل به بررسی و ارزیابی مهم‌ترین این ادله پرداخته می‌شود:

دلیل اول

شیخ در جلد آغازین کتاب *شرح الزیارة* همه احتیاجات مخلوقات و بندگان را در پناه ائمه علیهم‌السلام می‌داند و

واکاوی و نقد نتایج دیدگاه شیخ احمد احسائی در علت فاعلی دانستن ائمه علیهم السلام □ ۵۱

آنان را چه در امور کلی مثل خلق و رزق و چه در امور جزئی مانند تغذیه و رشد، نیازمند معصومین علیهم السلام می‌خواند. (همان: ۱۴۰) وی برای این ادعا که از نتایج فاعلیت تامه ائمه علیهم السلام است، به جمله‌ای از کلام منسوب به امام سجاد علیه السلام استناد می‌کند و آن را چنین نقل کرده است:

و هو قول علي بن الحسين علیهما السلام: الهی وقف السائلون ببابك و لا ذ الفقراء بجنابك یا شافی یا کافی یا معافی یا ارحم الراحمین. (همان)

یعنی خدایا گدایان، در خانه تو ایستاده‌اند و به کنار بارگاه تو پناه آورده‌اند، ای شفادهنده

بررسی و نقد

اولاً ما برای این فقره از دعا، سندی پیدا نکردیم و خود شیخ نیز مدرکی را برای آن بیان نمی‌کند. در *صحیفه سجادیه* نیز چنین دعایی را نیافتیم. پس این جمله قابل استناد و استدلال نیست. ثانیاً اگر با توجه به روایات که اهل بیت را باب الله خطاب کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۴۳۷) بیان کنیم که مراد حضرت این است گدایان بر در خانه ابواب الهی یعنی اهل بیت علیهم السلام ایستاده‌اند، این دلیل، ارتباطی با ادعای احسائی و موضوع علت فاعلی بودن امامان و نتایج آن ندارد. از این رو معلوم نیست که شیخ به چه مطلبی از این دعا استناد کرده و چگونه از این دعای حضرت استفاده می‌کند که مردم در خلقت، روزی گرفتن، زندگی و مرگ، گدای در خانه ائمه علیهم السلام هستند و نیازمند فاعلیت آنان می‌باشند. از این رو دلیل شیخ احمد احسائی، دیدگاه او را ثابت نکرده و حتی تأیید نمی‌کند.

دلیل دوم

گاهی در آثار شیخ به آیاتی به‌عنوان دلیل و مستند اشاره شده که به‌عنوان نمونه شیخ در کتاب *شرح العرشیه* به چند آیه استناد کرده است. او می‌گوید:

قد اقام نبیه صلی الله علیه و آله مقامه فی سایر عالمه فی الاداء ای: فیما یرید ان یؤدیه الی خلقه من خلق او رزق او حیاة او ممآة اذ کان تعالی لاتدرکه الابصار و هو یدرک الابصار ... ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها. (احسائی، بی تا ب: ۳ / ۲۴۰)

یعنی خداوند پیامبرش را در جایگاه خود قرار داده تا آنچه را از امور عالم که اراده کرده نسبت به مخلوقات محقق شود؛ اعم از آفریدن، روزی دادن، زندگی بخشیدن و میراندن توسط پیامبر صلی الله علیه و آله انجام بگیرد. احسائی برای این ادعا به دو آیه ۱۰۳ سوره انعام و ۵۸ سوره نساء استناد کرده است. در آیه اول بحث عدم رؤیت جسمانی الهی مطرح گردیده است و در آیه دوم موضوع دادن امانات به اهلش بیان شده

است که با توجه به استناد احسائی به این آیات به نظر می‌آید شیخ احمد مقام علت فاعلی بودن را امانتی دانسته که فقط به ائمه علیهم‌السلام داده شده است.

بررسی و نقد

آیات مورد استناد احسائی نیز ارتباطی به بحث علت فاعلی بودن امامان علیهم‌السلام ندارند و هیچ کدام از این دو آیه، بحث واگذاری امور اربعه عالم به ائمه علیهم‌السلام را ثابت نمی‌کنند و صرفاً یک برداشت استحسانی و ذوقی از آیات قرآن است؛ مگر اینکه از دلایل دیگری ثابت شود که این امور مهم (مثل آفریدن و روزی دادن) به‌عنوان امانتی در دست ائمه علیهم‌السلام هستند و آنان باید این امور چهارگانه بلکه همه احتیاجات مخلوقات را برآورده کنند که چنین دلیلی در آثار شیخ و پیروانش دیده نشد؛ بلکه روایاتی در مردود دانستن این دیدگاه وجود دارد. از جمله اینکه امام رضا علیه‌السلام در کلامی آشکارا موضوع تفویض را بیان می‌کند و می‌فرماید:

من زعم أن الله عزوجل فوّض امر الخلق والرزق الی حججه فقد قال بالتفویض والقائل بالتفویض مشرک. (صدوق، ۱۳۷۸: ۱۲۴)

حضرت در این سخن، معنای تفویض یعنی واگذار کردن امر آفرینش و روزی دادن به امامان علیهم‌السلام را مشخص کرده و قائل به تفویض را مشرک می‌داند.

در روایتی دیگر امام صادق علیه‌السلام در ردّ افرادی که رزق و خلق بندگان را به ائمه نسبت می‌دادند فرمود:

به خداوند سوگند، ارزاق ما را جز خدا تقریر نمی‌کند و من خود به غذایی برای خانواده‌ام احتیاج داشتم. سینه‌ام تنگ و فکرم مشغول شد تا آنکه رزق آنان را تأمین کردم و نفسی به‌راحتی کشیدم. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵ / ۱۰)

بنابراین در سخنان امامان شیعه روایاتی موجود است که حضرات معصومین علیهم‌السلام حتی ادعای واگذاری کامل رزق و خلق را به ائمه علیهم‌السلام نفی کرده‌اند؛ اگرچه شیخ که به‌دنبال تحمیل دیدگاه خود بر روایات است، بعضی از روایات غیرسازگار با دیدگاه‌اش را تقیه‌ای می‌داند که این نیز کلامی بدون دلیل از احسائی است و اصل عدم تقیه‌ای بودن سخنان آنهاست. جمع بین روایات اهل بیت علیهم‌السلام به ما می‌فهماند که نسبت واسطه فیض بودن به معصومین در برخی امور هستی خالی از اشکال است ولی عدم نقش فاعلی قائل شدن برای خداوند و انتساب همه امور عالم و به صورت استقلالی به اهل بیت علیهم‌السلام، خلاف روایات و ادله عقلی است.

۲. تبیین نتایج فاعلیت تامه ائمه علیهم‌السلام در موضوع اطاعت و عبادت امامان علیهم‌السلام

شیخ احمد احسائی در نوشته‌های خود مباحثی را درباره اطاعت از ائمه علیهم‌السلام مطرح کرده است و اطاعت از

معصومین علیهم السلام را در طول اطاعت خدا تصویر کرده است. (احسائی، بی تا الف: ۲ / ۱۳۱) به عنوان نمونه شیخ احمد در این باره می گوید: «فاعبد الله بالطاعة لأمر المؤمنین علیهم السلام». (همان: ۱ / ۴۰۴) یعنی عبادت کنید خدا را با اطاعت از امیرمؤمنان علیه السلام. ولی از برخی جملات او، مطالبی فراتر از اطاعت از ائمه علیهم السلام دانسته می شود که از نتایج علت فاعلی دانستن ائمه علیهم السلام در هستی است.

احسائی در بخش هایی از آثارش به صراحت انسان ها را بندگان ائمه علیهم السلام برشمرده و عبادت در مقابل امام را لازم می داند؛ از جمله عبارت هایی که دیدگاه شیخ در آن به روشنی بیان شده است این عبارت اوست: «انّ العباد عباد لهم عباد طاعة و ائمة الكلام في انّ العباد عباد لهم عباد رقی» (همان: ۷۵) شیخ در این کلام انسان ها را بندگان ائمه علیهم السلام دانسته، آن هم بندگان در اطاعت ایشان و بندگان ائمه علیهم السلام در عبودیت و بندگی. این عبارت گویای دیدگاه شیخ احمد احسانی در لزوم عبادت برای ائمه علیهم السلام است. اگرچه در ادامه همین جملات، او اعتراف می کند که ائمه علیهم السلام موضوع رقیّت و عبادت خود را بیان نکرده اند ولی در این باره تقیه نموده اند.

در این سخن، که حرف جدیدی از شیخ به شمار می آید، فقط بحث اطاعت ائمه علیهم السلام مطرح نشده تا بتوان آن را توجیه کرد. بلکه عبادت و رقیّت در مقابل امامان علیهم السلام بیان شده است؛ زیرا واژه «رقی» در کتاب های واژه شناسی عربی به معنای عبودیت است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۵ / ۱۷۲؛ راغب، ۱۴۲۵: ۳۶۱) البته مفاد این جمله نقل شده از احسائی در بخش های دیگر کتاب های او نیز تکرار شده است و این کلام شیخ احمد متفرد و منحصر به این جمله نیست. به عنوان نمونه احسائی در کلامی نسبتاً طولانی، با تکرار دیدگاه خود در لزوم عبادت ائمه علیهم السلام، مصادیق این عبادت را هم مشخص کرده است و می گوید:

عبادت به طور کل منحصر در ائمه علیهم السلام است؛ برای اینکه تسبیح، تقدیس، تحمید، تکبیر، تهلیل، خضوع و خشوع، رکوع و سجود و همه مصادیق تامّ عبادات و انواع آنها، بلکه در اصل معنا و مفهوم عبودیت همگی اسامی هستند که معانی آنها ائمه علیهم السلام می باشند؛ همان کسانی که خدا آنان را برای خود و آفرینش را برای آنها خلق کرد و این افراد همان اسماء حسناى الهی اند و در قرآن، خداوند مردم را به سوی آنان فراخوانده است. (احسائی، بی تا الف: ۱ / ۴۰۲)

این سخن شیخ احمد احسائی شامل چند نکته است. اولاً عبادت منحصر در ائمه علیهم السلام است. یعنی عبادت مستقیم خداوند معنایی ندارد. ثانیاً مراد از عبادت، فقط اطاعت از دستورهای ائمه علیهم السلام نیست، بلکه مصادیق عینی عبادت ذکر شده است مثل رکوع، سجود و انواع عبادات دیگر. ثالثاً در این کلام، خدا را فاقد اسماء و صفات معرفی کرده و صفات و اسماء را در ائمه علیهم السلام محقق دیده است که باید گفت بنابر

دیدگاه شیخ احمد احسائی ائمه علیهم السلام فقط آئینه یا محل تجلی و ظهور عینی اسماء و صفات الهی نیستند، بلکه آنها خود اسماء و صفات اویند و خدا اسماء و صفاتی غیر از معصومین علیهم السلام ندارد که برای فهم چگونگی اثبات چنین ادعاهای بزرگی، باید دلایلی محکم و متقن ارائه شود.

ارزیابی ادله احسائی در لزوم عبادت ائمه علیهم السلام

شیخ احمد احسائی در بعضی از کتاب‌های خود برای دیدگاه عبادت ائمه علیهم السلام که از نتایج مقام فاعلی و علیت تامه آنان در نظام آفرینش است مستندات و ادله‌ای بیان کرده است:

دلیل اول

احسائی به روایتی از امام حسین علیه السلام استناد کرده و آن را چنین نقل نموده است:

و لهذا قال الحسين عليه السلام في الحديث المتقدم لعبدالله بن شداد والله ما خلق الله شيئاً الا و قد امره بالطاعة لنا. (همان: ۱ / ۲۷۴)

یعنی امام حسین علیه السلام به فردی به نام عبدالله بن شداد فرموده‌اند: قسم به خدا، هیچ چیز را خداوند خلق نکرد مگر اینکه به او دستور داد اطاعت از ما ائمه علیهم السلام کند؛ لذا شیخ از این روایت نتیجه می‌گیرد که به ما دستور داده شده است تا از امامان خود اطاعت کرده و آنها را عبادت نماییم.

بررسی و نقد

اولاً این روایت در مصادر اولیه و معتبر شیعه نیست و در کتاب *مناقب آل ابی طالب* نوشته ابن شهر آشوب به صورت مرسل آمده و سند معتبری برای آن یافت نشد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴ / ۵۲) ثانیاً این روایت، اثبات‌کننده دیدگاه شیخ در انحصار عبادت و پرستش در ائمه علیهم السلام و بندگی آنها نیست و محتوای کلام منسوب به امام حسین علیه السلام گویای چنین مطلبی نیست؛ بلکه می‌تواند به ولایت تکوینی و تشریحی حضرات معصومین علیهم السلام اشاره داشته باشد که به اذن خداوند بر همه هستی ولایت دارند و به بندگان دستور داده شده تا از فرامین ایشان اطاعت کنند، نه اینکه باید ائمه علیهم السلام را عبادت کرد. بین اطاعت از دستورات آنان که فرستادگان الهی هستند و عبادت و رقیّت در مقابل آنها که مخصوص خداوند است، تفاوت زیادی است.

دلیل دوم

شیخ احمد مستند روایی دیگری را در تأیید دیدگاه خود بیان کرده و آن را این‌گونه نقل کرده است:

قوله عليه السلام يا مفضل ان الله خلقنا من نوره و خلق شيعتنا منّا و سائر الخلق في النار، بنا يطاع الله و بنا يُعصى ... (احسائی، بی تا الف: ۴ / ۱۴۲)

در این روایت، امام صادق علیه السلام به مفضل می‌فرماید: خداوند ما اهل بیت علیهم السلام را از نور خود آفرید و شیعیان ما را از نور ما خلق کرد و دیگران در آتش اند. (پس) به واسطه ما خداوند اطاعت و معصیت می‌شود.

بررسی و نقد

شیخ احمد احسانی حدیث بیان شده را بدون آوردن منبع و مأخذ آن نقل می‌کند. اما علامه مجلسی این روایت را در *بحار الأنوار* از تفسیر فرات کوفی نقل کرده است و ادعا شده روایتی دارای سند متصل (معنعن) است و مرسل نیست؛ ولی سند روایت به صورت مرسل از مفضل بن عمر نقل شده است؛ اگرچه می‌توان سند این روایت را به دلیل منتهی شدن به مفضل بن عمر که از اصحاب اجماع است صحیح به‌شمار آورد. ولی مراد از این قاعده رجالی و نحوه پیاده‌سازی آن در مباحث فقهی اجتهادی دارای اختلافات زیادی بوده و مخالفینی دارد. (زرگوش‌نسب، آل‌بویه و سلیمی، ۱۳۹۲: ۴۵ - ۳۲) و از طرفی مربوط به مباحث فقهی است. از این رو باید مفهوم و مفاد این روایت را مورد ارزیابی قرار داد.

از حیث محتوا و مفاد روایت باید گفت اولاً محتوای این روایت منسوب به امام صادق علیه السلام، در احادیث دیگر تکرار نشده است. ثانیاً حرف «باء» در جمله «بنا یطاع الله»، سببیت یا استعانت است و مصداق اطاعت خداوند دانسته شده است. از این رو می‌توان گفت ملاک تحقق اطاعت و معصیت الهی اهل بیت علیهم السلام هستند و عمل به دستورات آنها اطاعت خدا را محقق می‌کند و نافرمانی از دستورات ایشان، نافرمانی در مقابل خداست. ثالثاً در بخشی از این روایت به صراحت بیان شده «و سائر الخلق فی النار» که مفاد آن، در تعارض با روایات دیگر شیعه است و ناسازگار با آنهاست؛ پس این جمله اخیر از حدیث قابل استناد نیست و یا نیازمند تأویل است و جملات قبل آن ادعای شیخ را در عبادت ائمه علیهم السلام ثابت نمی‌کند.

بنابراین در صورت صحت انتساب روایت به امام علیه السلام و رفع مشکلات سندی و دلالی (محتوایی) آن، امام علیه السلام به صراحت اطاعت و عبادت را به خدا نسبت داده (یطاع الله) و اهل بیت علیهم السلام را ملاک سنجش و تحقق اطاعت و معصیت الهی یا مبین آن معرفی نموده است و نقش ائمه علیهم السلام در هدایت‌گری و راهنمایی انسان‌ها برای فهم عبادت و اطاعت الهی را بیان کرده است که این مفاد در دیگر روایات شیعه نیز آمده است. برای نمونه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عبادتنا عبد الله عزوجل و لولانا ما عبد الله». (کلینی، ۱۳۷۵: ۲ / ۹۸) یعنی ائمه‌اند که راه و رسم عبادت را به مردم می‌آموزند و اگر آنها خدا را عبادت نمی‌کردند کسی عبادت خدا را نمی‌آموخت.

دلیل سوم

شیخ احمد احسانی دلیل دیگری را بیان می‌کند که به ظاهر، کلام او را تا حدودی تأیید می‌کند. او روایتی

منسوب به امام صادق علیه السلام را بیان می‌کند که حضرت در پاسخ به پرسش راوی، مصداق بعضی از عبادات را ائمه علیهم السلام می‌داند. احسائی این روایت را چنین نقل می‌کند:

فقال علیه السلام یا داود نحنُ الصلوة فی کتاب اللّٰه عزّوجلّ و نحنُ الزکوة و نحنُ الصیام و نحنُ الحج و نحنُ الشهر الحرام و نحنُ کعبة الله و نحنُ قیلة الله و نحنُ وجه الله ... (احسائی، بی تا الف: ۲۲۹ / ۳)

ای داوود ما مصداق نماز در کتاب خدائیم؛ ما همان زکات و روزه و حج و ماه حرام و کعبه و قبله و وجه خدائیم ...

بررسی و نقد

از حیث سندی منبع این روایت کتاب *مشارق انوار الیقین فی أسرار امیرالمؤمنین علیه السلام* (برسی، ۱۴۱۹: ۲۶۱) رجب بن محمد حافظ برسی است که در ضمن خطبه‌ای، معروف به خطبه افتخار نقل شده است. این سخن منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام با خطبه‌های دیگری مثل خطبه تطنجیه و خطبه بیان در این کتاب بیان شده‌اند که بررسی محتوا و اعتبار این کتاب و این خطبه‌ها نیازمند نوشته‌ای مجزا و مفصل است و در اینجا به چند نکته اشاره می‌شود:

اولاً برخی محققین از لقب حافظ که در میان اهل سنت رواج دارد، برای نویسنده کتاب یعنی رجب برسی استفاده کرده‌اند که او سنی‌مذهب بوده است (صادقی، ۱۳۸۳: ۵۵) و کتاب او نزد شیعیان معتبر نیست. ثانیاً رجب برسی متهم به غلو است و محدّثین و محققین شیعه به مطالب او که فقط او نقل‌کننده آنهاست اعتماد نمی‌کنند. مثلاً شیخ حر عاملی درباره او می‌گوید:

او صاحب کتاب مشارق است که در کتابش افراط وجود دارد و گاهی نسبت غلو به آن داده می‌شود. (حرّ عاملی، ۱۳۸۵: ۲ / ۱۱۷)

همچنین علامه مجلسی نیز با آنکه در کتاب *بحار الأنوار* از کتاب *مشارق الانوار* رجب برسی مطالبی را نقل می‌کند، در مقدمه *بحار* می‌گوید:

به مطالبی که برسی نقل کرده و مؤیدی ندارد (ما تفرّد به) اعتماد نمی‌کنم، چون کتابش شامل اشتباه و آمیختگی و ارتفاع (غلو) است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱ / ۱۰)

صاحب کتاب *اعیان الشیعة* نیز در مورد این نویسنده می‌گوید:

در طبع او شدوذ و در مؤلفاتش اشتباه و غلو وجود دارد که موجب ضرر است و به‌طور کلی، تألیفات او فایده‌چندانی ندارد و برخی از آنها مضرّ است. (امین، ۱۴۰۳: ۶ / ۴۶۵)

بنابراین اعتبار نویسنده کتاب **مشارق الانوار** و مطالب این کتاب ثابت نیست و براساس دیدگاه مرحوم علامه مجلسی این روایت مورد استناد احسائی، از مصادیق ما تفرّد به رجب برسی است. از این رو علامه مجلسی و دیگران به آن اعتماد نکرده‌اند.

اما از حیث محتوایی (در صورت چشم‌پوشی از اشکال سندی و ضعیف بودن منبع آن)، مفاد این روایت نیز قابل تمسک برای شیخ احمد احسائی نیست؛ زیرا این جمله نمی‌فهماند که باید ائمه علیهم السلام را عبادت کرد، بلکه با بیانی تأویلی و باطنی حقیقت همه عبادات به امام برگردانده شده است که مطلبی غیریقینی است و چنین مطالبی مورد انکار و ردّ علمای دین می‌باشد و موجب سوءاستفاده اباحه‌گرایان بوده است.

شیخ احمد احسائی با پذیرش دیدگاه غیرمستند خود در عبادت و اطاعت معصومین علیهم السلام، روایاتی از ائمه علیهم السلام که به صراحت مخالف دیدگاه‌اش بوده را تقیه‌ای می‌داند و به آنها اعتماد نمی‌کند. برای نمونه او روایتی از امام رضا علیه السلام را نقل کرده که حضرت عبادت مردم در مقابل ائمه علیهم السلام را مردود دانسته است و اطاعت مردم از ائمه علیهم السلام را لازم می‌داند ولی شیخ احمد بعد از بیان این روایت می‌گوید: «و کلامه علیه السلام صریح فی التقیّة». (احسائی، بی تا الف: ۱ / ۷۵) از این رو شیخ احمد احسائی این روایات صریح را تقیه‌ای می‌خواند و دیدگاه خود را برداشت‌شده از روایاتی دانسته که حتی مؤید او نیز به حساب نمی‌آیند.

۳. تبیین نتایج فاعلیت تامه ائمه علیهم السلام در جهان آخرت

شیخ احمد احسائی یکی دیگر از نتایج علت فاعلی دانستن ائمه علیهم السلام را با عنوان «ایاب الخلق الیههم و حسابهم علیهم» مطرح کرده است و در شرح آن باور خود را به اینکه ائمه علیهم السلام در قیامت نیز نقش فاعلی ویژه‌ای در حسابرسی اعمال بندگان و مانند آن دارند، بیان کرده است و این اعتقاد را برگرفته از جملاتی از زیارت جامعه دانسته و در کتاب شرح زیارت جامعه، همین دیدگاه را در شرح برخی از فقره‌های زیارت جامعه آورده است.

شیخ احمد با استناد به فرمایش امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره که فرمود: «إِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ» (صدوق، ۱۴۱۳: ۲ / ۶۱۲) دیدگاه خود را بنانهاده و در توضیح و تشریح آن می‌گوید:

در حکمت الهی واجب است که حسابرسی بندگان در قیامت به عهده ائمه علیهم السلام باشد و این امری سرّی است و برای کسانی که خداوند به آنها کشف و فهم اسرار را داده، بدیهی و آشکار است؛ بلکه برای صاحبان خرد ضروری به نظر می‌رسد و این معنا در روایات چه در ظاهر و چه در باطن و تأویل روایات بیان شده است. (احسائی، بی تا الف: ۲ / ۱۵۹)

البته آنچه شیخ بیان کرده است لازمه اعتقادات قبلی او و جایگاه فاعلیت تامه اهل بیت علیهم السلام است و بنا بر دیدگاه‌های او ضروری و واضح به نظر می‌رسد.

بررسی و نقد دلایل احسائی در تصرّفات عام ائمه علیهم السلام در قیامت

رهبر شیخیه این دیدگاه خود را به روایاتی مستند کرده است که در ذیل تبیین شده و به بررسی و نقد آن پرداخته خواهد شد:

دلیل اول

مهم‌ترین دلیل احسائی فرمایش امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره است. او بر این باور است که این جمله «إِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَ حِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ» گویای فاعلیت تام اهل بیت علیهم السلام در جهان آخرت اعم از حسابرسی اعمال بندگان و تعیین تکلیف آنها در قیامت است و شیخ ادعا می‌کند این امر بدیهی بوده و استبعادی ندارد. (همان: ۲ / ۱۵۴)

بررسی و نقد

شبهه این تعبیر در قرآن کریم نیز در دو آیه آخر سوره غاشیه چنین بیان شده است: «إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عِلْمَنَا حِسَابُهُمْ». (غاشیه / ۲۵ و ۲۶) یعنی به یقین بازگشت همه آنان به سوی ماست و مسلماً حسابشان نیز با ماست. این دو آیه نشان‌دهنده دخالت خداوند در امر حسابرسی و انتساب کار به خداست و همین که ثابت شود خداوند نیز از بندگان حسابرسی کرده و او فاعل اصلی در صحنه قیامت است، دیدگاه احسائی که کار قیامت را به طور کل و مستقلاً واگذار شده به اهل بیت علیهم السلام می‌داند، مورد مناقشه قرار خواهد گرفت.

اما در تبیین معنای فراز مورد استناد شیخ احمد احسائی می‌توان گفت، در شرح فقره اول سخن امام هادی علیه السلام یعنی «ایاب الخلق الیه» بحث چندانی نشده است؛ ولی چند معنا برای آن قابل تصور است. از جمله اینکه گفته شود مردم برای حل مشکلات دینی و عقیدتی خود به سوی امامانشان برمی‌گردند و ایشان را مرجع حل مشکلات دینی خود می‌دانند؛ نه فقط مقصود از آن را بازگشت مخلوقات به سوی امامان علیهم السلام در قیامت بدانیم که نیازمند دلیل است؛ پس نمی‌توان همه امور قیامت را به صورت کامل منحصر در ائمه علیهم السلام دانسته و برای خدای متعال نقشی قائل نبود.

اما در مورد جمله دوم (حسابهم علیهم) چند معنا قابل تصور است:

۱. اینکه روز قیامت ائمه علیهم السلام کار حسابرسی را انجام می‌دهند و آنان افراد را در دادگاه الهی به نمایندگی از خداوند محاکمه خواهند کرد. این معنا در برخی روایات نسبت به شیعیان آمده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۱۶۲) که امامان علیهم السلام کار حسابرسی شیعیانشان را خود شخصاً بر عهده می‌گیرند و خداوند این

اجازه را به آنها داده است؛ ولی واگذاری همه امور قیامت به ائمه علیهم السلام و عدم دخالت خداوند در امر برانگیختن از قبر و حسابرسی کارهای بندگان، مورد تأیید قرآن و روایات اسلامی نیست.

۲. روز قیامت همه افراد براساس تعالیم اهل بیت علیهم السلام و با میزان آنان حسابرسی می‌شوند. این معنا را برخی روایات تأیید می‌کند؛ مانند دسته‌ای از روایات که وجود امام علی علیه السلام را قسیم بهشت و جهنم دانسته و ولایت اهل بیت علیهم السلام را ملاک سعادت و شقاوت برشمرده است. از این رو خداوند در قیامت با میزان ولایت علی علیه السلام به حسابرسی افراد می‌پردازد؛ ولی این معنا بی‌ارتباط با دیدگاه شیخ احمد احسائی است و این فراز از زیارت جامعه کبیره نمی‌تواند مستند احسائی باشد و معانی دیگری نیز برای آن متصور است.

دلیل دوم

احسائی روایتی از امام صادق علیه السلام را دلیل دیگر خود دانسته و شیخ آن را نقل کرده و همه‌کاره بودن ائمه علیهم السلام در جهان آخرت را از آن برداشت کرده است. رهبر شیخیه این مستند را در کتاب *شرح الزیارة* چنین آورده است: «فی الأمالی عن الصادق علیه السلام قال إذا کان یوم القیامة وکلنا الله حساب شیعتنا...» (احسائی، بی تا الف: ۲ / ۱۶۱) یعنی هنگامی که روز قیامت شد خداوند حساب شیعیان را به ما واگذار می‌کند... که با این مضمون در کتاب‌های حدیثی شیعه روایاتی وجود دارد که ائمه علیهم السلام به حساب شیعیان خود رسیدگی می‌کنند.

بررسی و نقد

این حدیث در *أمالی* شیخ طوسی آمده است (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۰۶) امام صادق علیه السلام در این سخن فرموده‌اند وقتی روز قیامت می‌شود خداوند ما را برای حسابرسی از شیعیانمان وکیل می‌کند و هرچه از خدا درباره آنان بخواهیم خداوند به واسطه ما به آنان می‌بخشد و هر نعمتی که برای ما باشد برای این شیعیان هم هست.

این روایت امام صادق علیه السلام شامل چند نکته است. اولاً واگذاری بخشی از کارها در قیامت ثابت نمی‌کند که ائمه علیهم السلام در قیامت همه امور را در اختیار دارند؛ بلکه نقش خداوند نقشی اصلی است و صحنه‌گردان قیامت خداوند است و همه امور آخرت با اجازه خدای متعال محقق خواهد شد. ثانیاً ائمه علیهم السلام از طرف خداوند وکیل می‌شوند که حسابرسی کنند نه اینکه خداوند همه کارها از جمله حسابرسی را به آنها واگذاشته باشد و خود به کناری رفته باشد. ثالثاً این دسته از روایات، موضوع حسابرسی شیعیان را بیان کرده و دیدگاه شیخ عمومیت دارد و دلیل او اخص از مدعایش است. پس این روایت نیز عمومیت دیدگاه شیخ را اثبات نمی‌کند و فاعلیت تامه ائمه علیهم السلام در قیامت به واسطه این روایات ثابت نشد.

دلیل سوم

دلیل دیگری را که شیخ در این باره ارائه می‌دهد و نزدیکترین مستند به دیدگاه احسائی به حساب می‌آید، روایتی از امام باقر علیه السلام است. در بخشی از این روایت آمده است:

... فَيُدْفَعُ إِلَيْنَا حِسَابُ النَّاسِ فَتَحْنُ وَاللَّهِ نُدْخِلُ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ وَ أَهْلَ النَّارِ النَّارَ

(کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۱۵۹)

حسابرسی عموم مردم در قیامت به ما اهل بیت علیهم السلام واگذاشته شده است و ما، بهشتیان و دوزخیان را مشخص می‌کنیم و آنها را به جزایشان می‌رسانیم.

در این روایت، موضوع حسابرسی شیعیان فقط مطرح نیست و به ظاهر امر حسابرسی و انجام امور قیامت به عنوان نتیجه علت فاعلی بودن ائمه علیهم السلام به آنان داده شده است و احسائی بعد از استناد به این روایت نتیجه می‌گیرد: «بنابر این روایت همه امور در دنیا و آخرت به ائمه علیهم السلام برمی‌گردد». (احسائی، بی تا الف: ۲ / ۱۶۱)

بررسی و نقد

این روایت در بخش سوم کتاب *کافی* (روضه) آمده است و از حیث سندی مشکلاتی دارد؛ زیرا در سند این روایت آمده است: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرَةَ عَنْ جَابِرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۱۵۹) سند این حدیث ارسال دارد و مرسله است؛ زیرا در ابتدای سند می‌گوید «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا» که این عده از اصحاب معلوم نیستند (اگرچه برخی این اشکال را با وجود افراد مورد اعتماد در میان اساتید جناب کلینی قابل حل می‌دانند). از طرفی، اگر روایت سهل بن سنان را بپذیریم (الامر فی السهل سهل) و او را مورد اعتماد بدانیم، افراد دیگر در سند روایت مثل محمد بن سنان نزد شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۶۴) و نجاشی (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۲۸) ضعیف است و علامه حلی درباره او توقّف کرده و حکم به اعتبار او نمی‌دهد (حلی، ۱۴۱۱: ۳۹۴) از طرف دیگر، آنچه معلوم است عمرو بن شمر در این سند، نزد بیشتر رجال یون ضعیف است. (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۲۸؛ کشی، ۱۴۰۹: ۱۹۱؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۱۷۷) و علامه حلی به‌طور خلاصه بر این باور است که به هیچ کدام از مطالب نقل شده از او اعتمادی نیست. (حلی، ۱۴۱۱: ۲۵۲)؛ پس با توجه به اشکالات رجالی موجود در سند این روایت، نمی‌توان به صرف استناد به آن، اعتقادی نو را بنیان نهاد و حکمی را ثابت کرد.

اما بررسی محتوای روایت که در مورد روایات اعتقادی از اهمیت بیشتری برخوردار است، نشان‌دهنده این است که برخلاف آنچه شیخ احسائی از آن برداشت کرده، به لحاظ ادبی فاعل فعل‌های اولیه حدیث، همگی خود خداوند است؛ زیرا در روایت آمده:

خداوند روز قیامت همه را جمع می‌کند تا حسابرسی کند. بعد اهل بیت علیهم السلام را می‌خواند و از آنها می‌خواهد به حساب مردم (همه یا عده‌ای مثل شیعیان) رسیدگی کنند و بعد پیامبران را فرامی‌خواند و از آنها نیز در حسابرسی بندگان خود استفاده می‌کند و بعد از مشخص شدن تکالیف افراد و وقتی که بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ رفتند، خداوند علی علیه السلام را برمی‌انگیزد و از او می‌خواهد تا در جایگاه‌های بهشتیان وارد شود و ... (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۱۵۹)

از این رو با دقت در محتوای بیان شده، آشکار است که گرداننده کارها در قیامت، خدای متعال است و فقط در برخی از امور از ائمه علیهم السلام و فرستادگان خود کمک می‌گیرد و این به معنای تفویض همه امور قیامت به ائمه علیهم السلام نیست تا شیخ احمد احسائی آن را به عنوان نتیجه علت فاعلی دانستن امامان علیهم السلام برگزیند و تفسیر کند که حرفی بدون دلیل و غیر مستند به مکتب اهل بیت علیهم السلام است و برخلاف برداشت برخی شارحان کافی و این حدیث می‌باشد. زیرا به عنوان نمونه آیت‌الله ملا صالح مازندرانی از این روایت واسطه‌گری ائمه علیهم السلام در برخی از امور در روز قیامت را فهمیده است (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۱۲ / ۱۷۱) و این برداشت، سازگار با متن حدیث بوده و همچنین با روایاتی که خود مرحوم کلینی در جایگاه‌های دیگر کافی بیان کرده هم‌خوانی دارد و ردکننده بیان شیخ و برداشت او از این روایات می‌باشد. این سخن به معنای هیچ کاره بودن ائمه علیهم السلام در قیامت نیست، بلکه نقد عدم دخالت خداوند در جهان آخرت و تفویض همه امور جهان آخرت به ائمه علیهم السلام است.

بنابراین دیدگاه شیخ نه تنها با این مستندات اثبات نمی‌شود، بلکه همه این روایات که مهم‌ترین و نزدیک‌ترین دلایل به دیدگاه شیخ احمد احسائی به شمار می‌آیند، مخالف نظر او بوده و همین روایات نظریه او را در واگذاری همه امور قیامت به امامان علیهم السلام نفی می‌نمایند.

نتیجه

با تبیین دیدگاه شیخ احمد احسائی در نتایج علت فاعلی دانستن ائمه علیهم السلام در امور هستی، آشکار گردید که او آفریدن، روزی دادن، زندگانی بخشیدن و میراندن بندگان را از شئون و نقش‌های ویژه امامان علیهم السلام می‌داند و معتقد است باید عبادت را از طریق معصومین علیهم السلام و برای ایشان یعنی برای مقام علت فاعلی انجام داد و از طرفی همه امور قیامت مانند حسابرسی مخلوقات را نیز به ائمه علیهم السلام منسوب کرد که در این پژوهش با بررسی مستندات احسائی در تبیین این نتایج، اثبات گردید که او برای این دیدگاه‌های افراطی خود به روایاتی تمسک کرده که برخی در منابع مورد اعتبار شیعه وجود نداشتند و یا مشکلات سندی

فراوانی داشتند و برخی از حیث محتوایی نیز مخالف قرآن بودند یا با تحلیل محتوای آنها، چگونگی استناد احسائی به آنها نامعلوم ماند و دیدگاه او قابل استناد به ادله بیان شده نبود. از این رو برداشت‌های شیخ از برخی از فرازهای زیارت جامعه کبیره و تمسک او به برخی روایات، نتیجه باورهای پیش‌ساخته او بوده و ارتباط خاصی با سخنان ائمه علیهم‌السلام ندارد.

بنابراین دیدگاه احسائی در نتایج علت فاعلی دانستن ائمه علیهم‌السلام غیر قابل استناد است و مورد تأیید متون دینی نیست و در صورت تمسک به ظاهر برخی از آثار شیخ در موضوع علت فاعلی دانستن ائمه علیهم‌السلام موجب تعطیل یا تضعیف نقش فاعلی خداوند در نظام آفرینش شده و افراطی و غالیانه بودن این اعتقاد، آشکار خواهد شد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۹ ق، *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه.
۳. احسائی، احمد بن زین‌الدین، بی تا الف، *شرح الزيارة الجامعة الکبيرة*، بی جا، بی تا. (نسخه تصحیح شده شیخیه در سایت الأبرار به آدرس www.alabrar.com)
۴. احسائی، احمد بن زین‌الدین، بی تا ب، *شرح العرشية*، بی جا، بی تا. (نسخه سایت الأبرار به آدرس www.alabrar.com)
۵. اسکوئی، میرزا موسی، ۱۳۸۵ ق، *احقاق الحق و ابطال الباطل*، نجف، بی تا.
۶. افضلی، محمدعلی، ۱۳۹۸، «بررسی و نقد دلائل سید کاظم رشتی و محمد کریم خان کرمانی در علت فاعلی دانستن ائمه علیهم‌السلام»، *انتظار موعود*، س ۱۹، ش ۶۵، ص ۱۵۲ - ۱۳۵.
۷. امین، سید محسن، ۱۴۰۳ ق، *اعیان الشيعة*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۸. برسی، رجب، ۱۴۱۹ ق، *مشارك أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۸۵، *أمل الأمل*، بغداد، مکتبة الأندلس.
۱۰. حلّی [علامه]، حسن بن یوسف، ۱۴۱۱ ق، *خلاصة الاقوال في معرفة احوال الرجال*، قم، دار الذخائر.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۲۵ ق، *المفردات في غريب القرآن*، قم، ذوی القربی.
۱۲. رشتی، سید کاظم بن سید قاسم، بی تا، *حجة البالغة*، بی جا، بی تا (نسخه سایت الأبرار).
۱۳. زرگوش‌نسب، عبدالجبار، علی آل‌بویه و علیرضا سلیمی، ۱۳۹۲، «نقد و بررسی نظریاتی درباره اصحاب اجماع»، *مبانی فقهی حقوق اسلامی*، سال ۶، ش ۱۱، ص ۴۶ - ۳۱.

واکاوی و نقد نتایج دیدگاه شیخ احمد احسانی در علت فاعلی دانستن ائمه علیهم السلام □ ۶۳

۱۴. صادقی، مصطفی، ۱۳۸۳، «خطبة البيان و خطبه‌های منسوب به امیرمؤمنان»، *علوم حدیث*، دوره ۹، ش ۳۳، ص ۸۳-۴۹.
۱۵. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، ۱۳۷۸، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تهران، جهان.
۱۶. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، ۱۴۱۳ ق، *من لایحضره الفقیه*، قم، اسلامی.
۱۷. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۷۳، *رجال الطوسی*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ق، *الأمالی*، قم، دارالثقافة.
۲۰. کشی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ ق، *رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)*، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۵، *اصول کافی*، ترجمه کوه کمره‌ای، قم، اسوه.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الاصول من الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
۲۳. مازندرانی، محمدصالح بن احمد، ۱۳۸۲، *شرح الکافی؛ الاصول و الروضة*، تهران، المكتبة الاسلامیة.
۲۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار أئمة الأطهار*، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
۲۵. مشکور، محمدجواد، کاظم مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۷، *فرهنگ فرق اسلامی*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۶. نجاشی، احمد بن علی، ۱۴۰۷ ق، *رجال نجاشی (فهرست اسماء مصنفی الشیعة)*، قم، جامعه مدرسین.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی